۱۳

توبه

متن سخنرانی استاد حسین انصاریان

بسم الله الرحمن الرحیم

توبه

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دار العرفان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

توبه

مشخصات کتاب

سرشناسه:انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور:توبه/مولف حسین انصاریان ؛ ویرایش و تحقیق مرکز تحقیقات دارالعرفان الشیعی .

مشخصات نشر:قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری:۳۵ ص.؛م.س.۷/۵ ۱۶ X

شابک::۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۳۷-۴ ۳۵۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ - -- وعظ

موضوع:توبه (اسلام)

شناسه افزوده:انتشارات دارالعرفان

رده بندی کنگره:BP۱۰/۵/الف۸۲ت۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی:۲۹۷/۰۸

شماره کتابشناسی ملی:۱۹۴۸۳۰۶

ص:۱

سخن ناشر

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی ها محفوظ می دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می باشد.

در این خصوص، دست یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژ آن ها در حیات انسانی، ضروری

احساس می شود.

مرکز علمی تحقیقـاتی دارالعرفـان، در راسـتای اهـداف الهی خود، این بار افزون بر اسـتفاده از مطالب پربار و عالمان دانشـمند محقّق حضـرت اسـتاد حسـین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سـخنرانی های معظّم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی های استاد نیز تشنگانِ معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج

اشاره

ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از بیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدّس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیّد الانبیاء و المرسلین حبیب الهنا و طبیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین.

فرصت و زمان توبه

وجود مبارک رسول خدا۶ ، از فرصت با عظمت ماه مبارک رمضان، به «فرصت و زمان توبه » تعبیر

فرمود: « وَ هُوَ الشَّهْرُ التَّوْبَةُ ». (۱) علت آن هم این است که مردم مؤمن در ماه رمضان در تمرین ترک قرار می گیرند و به صورت ظاهر، باید از پایان سحر تا ابتدای افطار، از ده برنامه اجتناب کنند. این اجتناب، به طور یقین، در تقویت روح، نفس و قلب آنان برای ترک گناهان کبیره و گناهان صغیره بسیار مؤثّر است. البته، کاری که در مسألهٔ ترک در ماه مبارک رمضان انجام می گیرد، در ماه های دیگر انجام نمی گیرد، مگر در یک روز ماه ذی الحجه که برای انجام عمرهٔ تمتّع، بر مردم واجب می شود که بیست و چهار برنامه را ترک کنند، و هم چنین در چند روز حجّ تمتّع؛ ولی به آن اندازه ای که در ماه مبارک رمضان، روح مردم برای مسألهٔ ترک و اجتناب تقویت می شود، در آن روز و این چند روز، روحشان تقویت نمی گردد.

بنابراین، برای مردم ترک گناه در ماه رمضان، از یازده ماه دیگر آسان تر است؛ ترک گناه در این

۱- (۱)) ۱. شیخ صدوق، فضائل الاشهر الثلاثة، ص۹۵.

مدت سی شبانه روز، آن ها را به فضای با عظمت تقوا و ترک دایم گناه می رساند.

خسارت اول گناه، پوشاندن لباس ذلّت

وجود مبارک حضرت زین العابدین۷ می فرماید: «گناه»، سه خسارت سنگین به بار می آورد: « اَلْبَسَتْنِی الْخَطَایَا ثَوْبَ مَذَلَّتِی ». (۱) در درج اول، گناه، انسان را در پیشگاهٔ خداوند بسیار خوار، پست، بی مقدار و بی ارزش می کند. اگر این پستی و بی مقداری در وجود آدم بماند و با توبه، فرد به عزت و شخصیت انسانی اش بر نگردد، در قیامت، راه نجات بر روی او بسته خواهد بود.

ممکن است پرسیده شود این سخن چه سندی دارد؟ پاسخ این است که بالاترین سند این سخن، در آی نهم سور مبارک اعراف است که حق تعالی می فرماید :«وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِینُهُ...»

ص:۴

۱- (۱)) ۱. صحیفه سجادیه، به تحقیق مؤسسه امام مهدی عجّل الله فرجه الشریف، ص۴۰۱.

«خف»؛ یعنی سبک، بی ارزش و بی مقدار. «...فَأولئِکَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُم بِمَا کَانُوا بِآیَاتِنَا یَظْلِمُونَ.» (۱)این ها در قیامت می بینند و مشاهده می کنند که با گناه، تمام سرمای وجودشان را تباه کرده و در زندگی شان چیزی که در میزان قیامت قابل وزن باشد تا بر آن پاداش داده شود، نمانده است .«وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِینُهُ فَأُولئِکَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُم بِمَا کَانُوا بِآیَاتِنَا یَظْلِمُونَ.» (۲)یعنی خسران اصل وجود، تباهی اصل وجود؛ یعنی این قدر بی مقدار و بی ارزش شدند که انگار از آن ها چیزی نمانده که آن را به حساب بیاورند. اگر این گناهان ظاهر و آشکار هم باشند، در میان خانواده، جامعه و آشنایان، آبروی شان رفته و پیش چشم دیگران هم پست و بی مقدار و بی اعتبار می شوند. این خسارت، تنها یک خسارتِ گناه است: « اَلْبَسَتْنِی الْخَطَایَا ثَوْبَ مَذَلَّتِی ». (۳)

ص:۵

۱- ((۱)) ۱. اعراف / ۹.

۲- ((۲)) ۱. همان.

۳- ((۳)) ۲. صحیفهٔ سجادیه، همان.

خسارت دوم گناه، دوری از قرب حق

امّا دربارهٔ خسارت دوم امام علیه السلام می فرماید: «وَ جَلَّلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِبَاسَ مَسَكَنَتِي.» (۱)به تدریج گناه باعث دور شدنم از حضرت شده است. این دوری تا جایی ممکن است ادامه پیدا کند که من را از هر عبادتی و خدمتی خلع سلاح نماید و زمین گیر سازد: « ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوءى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ ». (۲) «گناه»، وقتی زمانش طولانی شود و دایمی گردد و به تعبیر خود قرآن،« مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ »: پی در پی شود؛ پیوسته شود، تا وقت مرگ باعث می شود که تمام نیروهای معنوی انسان از دست برود و او تبدیل به « اولئِكَ كَالْأَنْعَامِ » (اعراف: ۱۷۹) گردد؛ که دیگر نمی تواند نه قدم عبادت بردارد، و

۱- (۱) ۳. صحیفهٔ سجادیه، همان.

۲- (۲) ۱. روم:۱۰.

نه قدم خدمت. این گونه، «گناه»، انسان را خلع سلاح می کند.

خسارت سوم گناه، مرگ قلب

امّا ضرر و خسارت سوم گناه که سنگین ترین خسارت است، و در بیان آن، امام زین العابدین علیه السلام خود متأثّر شده و در پیشگاه پروردگار به التماس و گریه می افتد: « وَ امَاتَ قَلَبِی عَظَیمَ جَنَایَتِی » (۱) : «گناه»، باعث مرگ قلب می شود.

وقتی قلب بمیرد خدا در افق یک مّیت، چه طلوعی دارد؟ خدا اگر بخواهد با صفاتش طلوع کند، طلوع حضرت حیّ در افق حیّ خواهد بود. هیچ وقت حضرت حیّ در افق میت، طلوع نمی کند، میّت هر کس می خواهد باشد. تمام دنیا، یا می گویند دفنش کنید، یا او را بسوزانید. همهٔ هندوها می گویند، مرده را بسوزانید. حالا این جنازه، روزگاری نهرو بوده است یا گاندی، یا راجیو؛ چون این جنازه، دیگر هیچ فایده ای ندارد، جز این که

۱- (۱)) ۱. صحیفه سجادیه، همان.

محو شود. غیرهندوها هم می گویند، این جنازه متعلّق به هر کس می خواهد باشد. حالا ـ زمانی این جنازه متعلّق به رئیس جمهور آمریکا بوده است، یا وکیل، یا سناتور، یا وزیر، یا بهترین تاجر، فرقی نمی کند. الآن باید هر چه زودتر چاله ای بکَنید و او را در آن بیندازید و سرپوشی بر آن بگذارید و بروید که نکند این جنازه متلاشی شود و بوی تعفّنش شما را اذیت کند.

خدا چه طلوعی دارد که از افق میّت طلوع کند: « اللَّهُ لاَـ إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیّ» (۱)؟ حیّ خودش دستور داده، مرده را دفن کنید؛ یعنی او هیچ فایده ای ندارد، و خودش باز دستور داده که او را در قبر گود دفنش کنید که نکند بعد از متلاشی شدنش، آسیب های آن، مردم شهر را بگیرد. خلاصه این که حضرت حیّ گفته است که مرده را دور بیاندازید، آن وقت خودش هم می آید از افق این میت طلوع اوصافی بکند؟ قلب مرده، نه محلّ طلوع رحمانیت

۱- (۱)) ۱. بقرة:۲۵۵.

است، نه محل طلوع رحیمیت؛ نه محلّ طلوع حکمت است، نه محلّ طلوع لطف؛ نه محلّ طلوع مهر است، نه محلّ طلوع رزاقیت؛ نه محلّ طلوع ربوبیت.

امیرمؤمنان علیه السلام این قلب مرده را در سینهٔ هر کس دید، چنین توصیف نمود: «فَالصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَ الْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَان » . (1) قیافه، قیافهٔ آدمیزاد است و قلب، قلب حیوان؛ یعنی دل، دلِ شتر، گاو، الاغ، سگ و گرگ است. این دل مردگی، خسارت «گناه» است.

«توبه»؛ یعنی به سوی عزت رفتن. «توبه»؛ یعنی رفتن به سوی این که صلاح از دست رفته را برگرداند. «توبه»؛ یعنی مرده را زنده کردن. این، عظمت توبه بوده و در ماه رمضان، این توبه از یازده ماه دیگر راحت تر رخ نشان می دهد؛ آسان تر رخ نشان می دهد. بعد هم مردم، از مرد و زن، پیر و جوان، عالم و عامی، باید بدانند که «گناه»

۱- (۱)) ۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۸۵.

آلودگی ای فراگیر است و دارای مسکّن ویژه نیست؛ فقط در چشم سکونت نمی گیرد؛ فقط در گوش، و یا در زبان، یا در دست، یا در شکم، یا در شهوت نمی گیرد. خطر «گناه»، خطرِ سنگین و فراگیری است؛ یعنی همان طور که باطن را می گیرد، فکر را هم می گیرد؛ قلب را هم می گیرد؛ نفس را هم آلوده می کند.

در این جا لازم است به سه نمونه از آلوده کنندگی «گناه» و منازلی که در مسیر آلوده سازی انتخاب می کند، اشاره کنم. البته، بیان این نمونه ها برای این است که انسان بداند گناه می تواند به همه جا نفوذ بکند. سند این سخن هم قرآن مجید است: « بَلَی مَنْ کَسَبَ سَیِّئَةً و أَحَاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ فَأُولئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ». (۱)ضمیر أَحَاطَتْ ، به انسان بر می گردد. از این آیه می شود فهمید که «گناه» این توان را دارد که تمام وجود

۱- (۱) ۱. بقره:۸۱.

انسان را فتح نماید و بر آن احاطه کند و در همه جا، جا بگیرد.

یک نمونه از گناه باطن

در این جا، برای شما یک نمونه از گناهٔ باطن را بیان می کنم:

ماجرای صفوان بن مهران کوفی. البته، این نمونه هایی که بیان می شود، از معتبرترین کتب شیعه، نقل گردیده است. پاکی کتاب های ما شیعیان زیاد می باشد. البته، هیچ عالم شیعی این ادعا را ندارد که بعد از قرآن، صحیفهٔ سجادیه و نهج البلاغه، پاکی کتاب هایش صددرصد هست، ولی این ادّعا را دارد و ثابت هم می کند کتاب هایی که از زمان ائمه: به وسیلهٔ عالمان واجد شرایط، و نه هر قلم به دستی نوشته شده، ۹۵ درصد پاکی دارند؛ یعنی مطالبش استوار و درست است. ۵ درصد دیگر آن هم قابل نقد و انتقاد می باشد. هیچ عالم ربانی ای هم در زمان زنده بودنش تا حالا از انتقاد به کتاب هایی که به نگارش درآورده، به هیچ عنوان عصبانی نشده است، به طور مثال، وجود مبارک کلینی۱ ده جلد

کـافی نوشت و وجود مبـارک علامه مجلسـی۱ در بعضـی از مـوارد، به آن انتقـاد کرده است. آخونـد خراسـانی۱کتابی علمی نوشت و فرزنـد محترمش، آقا محمد آقازاده، شاید صد انتقاد به کتاب پدر کرد. انتقادهایش هم حق است. این نشان می دهد، شیعه انتقادپذیر است، در حالی که علمای اهل سـنت در شـش کتاب اصلی روایی شان، صحاح شش گانه، راه انتقاد را بسته و گفته انـد دربـارهٔ این شـش کتـاب، تـا قیام قیامت به کسـی اجازه نقـد داده نمی شود. به عقیـدهٔ آنان، این شـش کتاب، از نظر سلامت، معادل قرآن است، ولی متخصّـِصان شـیعه، این شـش کتاب را هم بسیار عالمانه و هم با مهربانی و با رعایت دوستی به نقـد کشـیده انـد؛ چرا که نقـد کاری علمی بوده و این که آنان راه نقـد این شـش کتاب را بسـته اند، عملی منصـفانه و عالمانه نکرده اند، و این درحالی است که ما کتاب های خودمان را نقد کرده و طرف مقابلمان که کتاب هایش نقد شده هم از نقد ما خوشحال می شود؛ چون نقد هر اثر، برای صاحب آن، پختگی علمی می آورد. به هر حال،

ص:۱۲

مطالبی که نقل خواهـد شد، از معتبرترین کتاب ها گرفته شده است با توجّه به این نکته که آن ها به جز ۴ و ۵ درصدشان، ۹۵ درصد دیگر آن، از سلامت و پاکی برخوردارند.

صفوان بن مهران (۱) می گوید: روزی من به خدمت حضرت موسی بن جعفر۷آمدم و حضرت۷فرمودند: صفوان! آنچه را از عمل و کار و اخلاق از تو سـراغ دارم، امضا می کنم و می پذیرم (۲)، فقط یک کارت ناپسند است. صفوان عرض کرد: کدام کارم؟ حضرت۷فرمودند: کرایه دادن شترانت به هارون و خانواده اش. صفوان گفت: جانم فدایت!

۱- ((۱)) - صـفوان بن مهران کـوفی که نـام پـاکش در بیش از ۵۰ کتاب معتبر ذکر شـده، مورد علاقهٔ وجود مبارک حضـرت صادق و حضرت موسی بن جعفر۸بوده است و در این ۱۴۰۰ سال، عالمان رجال شناس هم ایشان را تأیید کرده و روایاتش را موثّق دانسته اند.

۲- ((۲)) - این سـخن امـام، سـخن برجسـته ای دربـارهٔ صـفوان است و بـدین معنـا می باشـد که صـفوان! تو در مورد همسـر و فرزنـدت، در برخورد بـا مردم، در دینت، انحراف نـداری و من امـام معصوم، تمام اعمالت را می پسـندم و تو از نظر من خوب هستی.

این شـتران را برای لهو و لعب، برای حمـل مشـروب، برای گردش و شـکار کرایه نـدادم؛ بلکه مـأمورِ هـارون آمـد و گفت: تو شتران زیادی داری، پس آن ها را به من و به کسانم کرایه بده؛ چون ما می خواهیم به حج برویم. من پیشنهادش را قبول کردم و خودم هم با آن ها نرفتم که نکند هارون به من حُکم مسئولیت امری را بدهد تا حکم این ظالم را دربارهٔ آن اجرا کنم؛ چون مجریان حکم ستمگران، با خود ستمگران، در دوزخ یک جا هستند. قرآن نمی گوید این فرد چون اعلی حضرت بوده، باید به طبقـهٔ هفتم برود، و چون این فرد کارمنـد جزء بوده، بایـد به طبقـهٔ اول برود، بلکه می گوید: « أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذابِ» (1): تمام کارمنـدان دولت فرعون را هم با خود فرعون در شدیـدترین عـذاب قرار دهیـد. این بهانه را که من پاسـبان بودم، من پستچی بودم، من در دادگاه نویسنده بودم و در دستم کار مهمی نبود، خدا قبول

ص:۱۴

۱- (۱)) ۱. مؤمن: ۴۶.

نمی کند. مجری حکم ستمگر، عین خود ستمگر عذاب دارد.

صفوان گفت که من خودم هم نمی روم و نرفتم و کارگرهایم را فرستادم. امام علیه السلام فرمودند: در نیتت هست که هارون و اقوامش از مکه برگردند و کرایهٔ شترهایت را بدهند؟ عرض کرد: بله. حضرت فرمود: از زمان حرکت آن ها تا برگشتشان به مکه، همین که می خواهی آنان بمانند، از آن ها خواهی بود، و هر کس از آن ها باشد، در قیامت، با آن ها در جهنم خواهد بود. (۱) این گناه است که کسی سرپا بودن ظالم را بخواهد. همین که بخواهد آمریکا سرپا باشد؛ بخواهد اسرائیل سرپا باشد؛ بخواهد یک وکیل ظالم، یک استاندار ظالم، یک فرماندار ظالم، یک اداری ظالم، یک حاکم ظالم، یک رئیس ظالم، سرپا باشد، این گناه است.

ممکن است برای شنونده این ماجرا این پرسش پیش آید که آیا موسی بن جعفر۷ خیلی تند

ص:۱۵

۱- (۱)) ۱. وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۲۲.

نفرموده؟ این طور نیست؟ اگر ما از حضـرت سؤال می کردیم، ملاک این حرف شما چیست؟ آدمی به این خوبی که پدرتان، امام صادق علیه السلام، عاشقش بود و خودتان هم به او علاقه دارید، آن وقت او با هارون به جهنم برود؟ حضرت در پاسخ به چنین سؤالی گفته است: ملاـکم این آیه است: « وَ لاٰـتَرْکَنُوا إِلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّکُمُ النّٰارُ وَ مٰا لَکُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ أَوْلِیٰاءَ ثُمَّ لاٰتُنْصَرُونَ » (۱) میل قلبی به هیچ سـتمکاری نداشـته باشـید؛ چون که فقط به خاطر میلتان، آتش به شما خواهد رسید حتی اگر هم هیچ کاری برایش نکنید و فقط همان میل تنها باشد، چه برسد به این که در کشورم بنشینم و آرزو کنم کلّ این نظام و کلّ این حوزه های علمیه به نابودی کشیده شود و آمریکا بیاید ما را نجات بدهد. طبق این آیه، خدا با این میل چه خواهد کرد؟

۱- (۱)) ۱. هود: ۱۱۳.

البته، شما هم که در بدن دولت هستید! بدانید هر کدام از شما در هر پستی که هستید، از دهداری گرفته تا ریاست جمهوری، اگر ستمکار شوید، خودتان، پیروانتان، کارگزارانتان، زن و بچه های راضی به ستمکاری شما، طبق آیهٔ چهل و ششم سورهٔ مؤمن همه با هم، ، در اشدّالعذابِ قیامت خواهید بود. استثنا هم ندارد. این گناه گناهی است که به قلب احاطه می کند.

گناه حرام خواری

گناهٔ حرام خواری، گناهی است که به شکم چنگ می اندازد. فضل بن ربیع می گوید: شریک بن عبدالله بن سنان نخعی (۱) در روزی که او را به دربار مهدی عباسی، قبل از هارون، آوردند، مهدی عباسی به او

۱- (۱) *. شریک دارای حسب برجسته ای است. این شخص عالم، از ریشه های قبیله هایی بوده که شاخص ترین چهرهٔ آن قبیله، وجود مبارک مالک اشتر نخعی رضواان الله تعالی علیه است که امیرمؤمنان علیه السلام درباره اش فرمود: دیگر بعد از او مادری را سراغ ندارم که مانند او را بزاید؛ یعنی تک انسانی است که دیگر نباید به دنبال مثل او گشت.

گفت: شریک! نمی گذاریم از این دربار بروی، مگر بعد از این که یکی از این سه کار را قبول کنی: یا رئیس قو قضائی مملکت بشوی (که به تعبیر عربی آن روز، قاضی القضات می شود)، و اگر هم این شغل را قبول نمی کنی، به جای آن، شغل معلمی بچه هایم را بپذیر. این جا ما به تو اتاقی می دهیم و تو هر روز باید بیایی و به بچه هایم درس بدهی. اگر این کار را هم نمی پذیری، امروز ناهار پیش ما بمان. شریک بن عبدالله بن سنان نخعی به فکر رفت که اگر در نهایت به هر سه پیشنهاد خلیفه نه بگوید، آخرش این خواهد بود که خلیفه دستور می دهد که جلاد گردنش را بزنند و او در این صورت، جزو شهدای اصیل عالم می شود، و سخن گفتن با خود را ادامه داد که: اگر منصب قاضی القضاتی مهدی(خلیفه عباسی) را بپذیرد، با این کار، خود را در لبهٔ جهنم قرار می دهد، و از طرفی، در صورت پذیرفتن پیشنهاد معلمی بچه های خلیفه، ممکن است آن ها پیش او درس بخوانند و فردا رئیس مملکت بشوند و مثل پدرشان بر تمام

ص:۱۸

اهل مملکت ظلم بکنند، او با این کار خود، شریک ظلمشان می شود؛ چون ظالم پروری کرده و علمش را به دست نااهل داده است، و او نمی خواهد ظالم پروری بکند، امّا پذیرش پیشنهاد خوردن یک ناهار با خلیفه، عیبی ندارد. پس به رئیس آشپزخانه گفت، فقط از مغز استخوان و شکر، چند نوع غذا درست کند و برای ناهار بیاورد. رئیس آشپزخانه که شاهد جریان بود، رفت و بعد از دو ساعت آمد و گفت: غذا آماده است؛ سفره را چیده ایم بفرمایید! آشپز به آرامی با خودش گفت: اگر شریک بن عبدالله بن سنان امروز این غذا را بخورد، تا ابد رستگار نخواهد شد؛ یعنی آشپز هم فهمید شریک با خوردن این ناهار، به چه عاقبت شومی دچار خواهد شد. سرانجام شریک بن عبدالله که غذای حرام را خورد، هم منصب قاضی القضاتی را پذیرفت و هم معلمی بچه های خلیفه را؛ چون گناه، آدم را

ص:۱۹

زمین گیر می کند، و لقم حرام، تمام نور خدا را از باطن می برد . (۱)

روزی برای حقوق یک ماه، به شریک برات دادند و او به یک صرافی رفت تا آن را نقد کند. صراف به او گفت: مقداری از آن را الآن می دهم و مقداری دیگر را ده روز بعد، و اندکی از آن را جنس می دهم. شریک اصرار کرد که باید همهٔ آن را همین حالا نقد بدهی. صراف که عصبانی شده بود، گفت: مگر کتان و پارچهٔ قیمتی فروخته ای که پولش را نقد می خواهی؟ شریک گفت: نه کتان فروخته ام و نه پارچهٔ قیمتی، «والله بِعْتُ دِینِی»: به خدا سوگند! من دینم را فروخته ام.

ماجرای این عالم، به ما هشدار می دهد که خوردن مال حرام، دین فروشی می آورد. پس حرام نخورید! حرام نپوشید! در خان حرام زندگی نکنید! شغل حرام قبول نکنید! کار حرام نکنید! رشوه حرام

۱- (۱)) ۱. محمود شهابی، ادوار فقه، ج۳، ص ۵۹۱ -۵۹۲.

نگیرید! به دنبال قصر نروید! مال یک مملکت را اختلاس نکنید! چرا که به طور قطع به دین فروشی دچار می شوید. خیلی جمل کوبنده ای است وکوه ها تحمّلش را ندارند: «وَاللهِ بِعْتُ دِینِی.»

گلایه نکردن از بلا

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: خیلی گرفتارم و تمام زندگی ام به هم پیچیده است. امام علیه السلام فرمودند: دین داری؟ عرض کرد: بله، من شیعه ام و عاشق شما هستم. حضرت فرمود: چرا پیش من می گویی گرفتاری برایم پیدا شده و زندگی ام به هم پیچیده شده است؟ چه پیچیدگی؟ زندگی آن هایی به هم پیچیده که دینشان از دست رفته، نه تو، «وَ هُوَ بَلَاءٌ و مَکْرُوهٌ قَلِیلٌ مَکْثُهُ.» (۱): و آن ناراحتی است

ص:۲۱

۱- (۱)) ۱. إقبال الأعمال، ص ۷۰۸.

که زمانش کم می باشد و رد می شود. پس چرا گلایه می کنید؟ این هم نکته ای دربارهٔ گناه و معصیت.

معاشرت با اهل فساد، از نقاط بسیار خطرناک گناه

یکی از نقطه های بسیار خطرناک گناه، معاشرت با اهل فساد است. آن هایی که می خواهند آدم بشوند، به این نقطه هم عنایت کنید. کتاب شریف پر قیمت کشف الغمهٔ علی بن عیسی اربلی که از زیباترین کتاب های شیعه است در سه جلد، نقل می کند که منصور دوانیقی با خطّ خودش نامه ای را برای حضرت صادق علیه السلام نوشت و به پیکی داد تا آن را از بغداد به مدینه ببرد. وقتی پیک، نامه را در مدینه به امام صادق علیه السلام رساند. امام علیه السلام نامه را داخل اتاق برد و آن را خواند. منصور در نیم خط نوشته بود: «تَصْحَبَنَا لِتَنْصَحَنَا؟»: آیا حاضر نیستی در دربار

ما بیایی و در میان درباریان ما بنشینیی، چیزی هم از شما نمی خواهم جز این که ما را فقط نصیحت کنی همین؟ امام علیه السلام که منصور ملعون را می شناخت و می دانست که او میّت شده و دیگر افقی برایش نمانده که صفات خدا از آن افق طلوع کند (ما افراد را نمی شناسیم، ولی امام علیه السلام که آن ها را می شناسند)، به پیشنهاد منصور، در واقع به هم انسان ها، جواب دادند: « مَنْ ارَادَ الدُّنْیَا لَایَنْصَحُکَ » (1): کسی که مادّی گرا است؛ کسی که فقط دنبال دلار است و کار دیگری ندارد؛ کسی که تنها دنبال پول است، کاری با خدا، با آخرت، با انبیا ندارد و او فقط دنبال دنیاست و می گوید زندگی همین است و باید در این چارچوب، ثروت اندوخت و آن را مصرف کرد و با آن خوش گذراند و سپس مرد و بعد از مردن هم خبری نیست. علیهٔ خدا و انبیا هم این حرف ها را می زند. خدا در ۱۱۴ کتاب، انبیا، همهٔ ۱۲۴ هزار نفرشان، و

۱- (۱)) ۱. کشف الغمهٔ، ج۲، ص۴۲۷.

ائمه، همهٔ آن ها فرمودند: بعد از مردن خبرهایی است، آن هم خبرهای عظیم: « عَمَّ یَتَسَاءَلُونَ . عَنِ النَّبَإِ الْعَظِیمِ » (۱) ، نه خبرهای دست کم و معمولی. منصور! این هایی که دنبال پول و ثروت هستند و اطراف تو زیادند، هرگز خیرخواهت نیستند، آن ها هیچ کدام علاقه ای به تو ندارند. پول می خواهند، تو باشی یا پدرت، و یا پسرت. خود تو برای آن ها موضوعیتی نداری، و امّا انسانی که آخرت را بخواهد، هم نشین و هم صحبت با تو نمی شود. چنین شخصی یک جلسه هم نمی آید با تو بنشیند؛ چون نشستن همان و از دست دادن آخرت همان (معنای عمومی این سخن آن است که: ای مردم! با مفسدین حرفه ای رفاقت نکنید؛ معاشرت نکنید؛ رفت و آمد نکنید؛ معاشرت با مفسدین، برباددهند آخرت است). منصور نام امام صادق علیه السلام را خواند و گفت: جعفر صادق علیه السلام، قوی ترین و استوارترین

۱- ((۱)) ۱. نبأ: ۱-۲.

ترازو را به من داد که من با این ترازو بتوانم اهل دنیا و اهل آخرت را بشناسم.

این هم یک گناه، معاشرت با مردم بی دین و رفت و آمد با خانواده های بی دین. چه بسا که این رفت و آمدها بعد از این که بیست سال همسران و دختران شما همگام و همراه با عفت و حجاب فاطم زهرا۳ بودند، از طریق این بی دینان، هرچند که اقوامتان باشند، این عفت و حجابشان بر باد برود. قرآن به شما اجازه می دهد در صورت ترس از اثر مفسدان در زن و بچه های تان و خودتان، حتی با برادران، پدرانتان و اقوامتان رفت و آمد نکنید.

مصعب بن عمیر و گسستن رابطهٔ خویشاوندی

مگر مصعب بن عمیر تک پسر نبود؟ مگر در سن هجده سالگی با ایمان صادقانه به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ایمان نیاورد؟ مگر وقتی پای تبلیغ دین در میان آمد، پیغمبر صلی الله علیه و آله این جوان هجده ساله را از مکه صدا نزد و نفرمود، به مدینه برود و دین را آن جا تبلیغ کند؛

یعنی هر چند با این هجرت تبلیغی، ممکن است رابطه ات با پدر و مادر قطع شود، به او نگفت، برو و هر دو سه ماه، یکبار برگرد، و به پدر و مادرت سری بزن. او در چند سالی که مدینه بود، پدر و مادرش را ندید. فقط در این سال ها یک روز عمویش به مدینه آمد و به نزد پیامبر رفت و گفت: یا رسول الله! من نیامده ام، مسلمان شوم. من جزو مکه ای ها هستم. این مصعب، برادرزاد من، تک پسر است. مادرش از دوری اش دارد دق می کند و پدرش هم دارد از فراقش می میرد. به او بگویید، یک سفر با من به مکه بیاید و پدر و مادرش را ببیند و برگردد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به دنبال مصعب فرستاد. مصعب درحالی که پوست خشک شده گوسفندی را به صورت پیراهن به تنش کرده بود و از شدت نداری، روزها به کارگری می رفت و دو درهم مزد می گرفت، به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد. اشک در چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جمع شد و گفت: من او را با دو چشم خودم در مکه دیدم که پدر و مادر این جوان بهترین غذا را به او می دادند و

ص:۲۶

زیباترین لباس را به او می پوشاندند، ولی «هذَا رَجُلٌ نَوَّرَاللهُ قَلْبَهُ بِالاِیمَانِ» (۱): این مردی است که خدا دلش را با ایمان نورانی کرده است. در سای این نور، ببینید او چه نوع زندگی را بر چه نوع زندگی برگزیده است؟ مصعب آمد و سلام کرد و گفت: یـا رسول الله! بـا من فرمایشـی داریـد؟ پیـامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم گفت: آری مصـعبم. این فرد کیست؟ مصـعب گفت: عمویم است آقاجان! پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم گفت: او نود فرسـخ راه از مکه آمـده و می گوید، مادرت دارد دق می کند و پدرت دارد سـکته می کند. عمویت می گوید یک سـفر تا مکه بیا تا پدر و مادرت تو را ببینند و سـپس برگرد. مصعب گریست و گفت: نمی دانم چه کـار کنم؛ نمی دانم یـا رسول الله۶! بروم یا نروم؟ در این گفتگو بودنـد که جبرئیل نازل شـد و گفت: یا رسول الله۶! خدا می فرماید، مصعب، متعلّق به من است و نرود.

ص:۲۷

۱- (۱)) ۱. مستدرک الوسائل، ج۳، ص۲۵۷.

پروردگارا! کاش می شد نزد فرشتگانت اسم ما را هم ببری و بگویی این ها متعلّق به من هستند تا ما اگر هزار کانال ماهواره است، به سراغشان نرویم. اگر این همه بدحجاب و بی حجاب هست، به سراغشان نرویم. این همه مال حرام درياوار پهن است، به سراغ یک ریالشان نرویم.

به هر حال، خداوند این اجازه را به ما داده که با مفسدین هرچند پدران و مادرانمان باشند، معاشرتی نداشته باشیم، مگر این که پدر و مادر کافر باشند، ولی مفسد نباشند، که آن جا را فرموده: « وَ صاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفاً » (۱): در دنیا پسندیده با آن ها رفتار کنید، اگر پدر و مادری هستند که توان اثرگذاری ندارند.

خداوند چنان که گفتیم، گفت: نه، مصعب نرود؛ مصعب متعلّق به من است.

عجب مقامی دارد این مصعب و عجب ارزشی. در طول سال، حداقل بیست میلیون زائر، به منطق احد

۱- ((۱)) ۱. لقمان:۱۵.

در مدینه می روند و قبر مصعب را که کنار قبر حمزه سیدالشهداء است، به عنوان شهید راه ایمان، زیارت می کنند؛ این است ارزش ایمان، اخلاق، عمل صالح، توبه.

* * *

ص:۲۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹